

یکشنبه 27 اسفند 1396 - 29 جمادی الثاني 1439 - 18 مارس 2018

آغاز بهره برداری از تلگراف در ایران (1236 ش)

;rlm& (1236)

روزنامه وقایع اتفاقیه در شماره 372 خود در این روز، رویداد سیم کشی تلگراف در مدرسه دارالفنون و موفقیت;rlm&آمیز بودن آن را خبر داد. پس از آن قرار شد که از کاخ سلطنتی تا باغ لاله;rlm&زار، سیم تلگراف متصل شود و پس از آن، نقاط دیگر نیز دارای تلگراف شدند. نکته در خور توجه این بود که برقراری تلگراف در ایران، در مرحله اول انگلیسی;rlm&ها را بهره;rlm&مند کرد تا ایرانیان را، چرا که آنان با اتصال خطوط مخابراتی هند و اروپا، نه تنها با مستعمره خود، هندوستان، ارتباط برقرار کردند و آن را سرعت بخشیدند، بلکه با ساختن تلگراف خانه;rlm&هایی در ایران و فرستادن مامور به کشور، نفوذ خود را روز به روز در ایران، توسعه دادند.

" " (1302)

در روزهایی که بحث جایگزینی جمهوری به جای مشروطه سلطنتی، بسیار اوج گرفته بود و روز تصمیم;rlm&گیری برای اعلان جمهوری نزدیک می;rlm&شد، عالم مجاهد آیت;rlm&الله سید حسن مدرس در برابر این عمل ایستادگی کرد و سعی داشت از تصویب آن جلوگیری نماید. در این میان مشاجره;rlm&ای بین سید محمد تدین، رئیس مجلس شورای ملی با سید حسن مدرس روی داد که پس از هتاکتی تدین، او به همراه طرفدارانش از مجلس خارج شد و مجلس از رسمیت افتاد. پس از آن، مدرس از جلسه خارج شد و در سرسرا که نمایندگان جمع بودند به ایراد سخن پرداخت. در این هنگام دکتر حسین بهرامی به تحریک تدین به مدرس نزدیک شد و سیلی محکمی به صورت مدرس نواخت به طوری که عمامه او از سرش افتاد. این حادثه چنان زشت و دور از انتظار بود که برخی نمایندگان آن را محکوم کرده و از جرگه هواداران جمهوری و سردار سپه خارج شدند. در آن زمان، این سیلی را، سیلی به جمهوری تعبیر کردند که در نهایت به شکست آن طرح انجامید.

" " (1813)

کریستین فریدریش هیل، نمایش;rlm&نامه;rlm&نویس، شاعر و منتقد آلمانی، در 18 مارس 1813م در یکی از ایالت;rlm&های آلمان به دنیا آمد. هیل دوره کودکی را به سبب فقر خانوادگی و خشونت و سختگیری پدر، در محیطی غم;rlm&انگیز گذراند و در جوانی برای تأمین معاش به شغلی در مطبوعات پرداخت. او در این شغل با مطالعه بسیار، دانسته;rlm&های خود را وسعت بخشید و کم;rlm&کم به نوشتن روی آورد. با انتشار برخی از نوشته;rlm&های هیل در مجله;rlm&های ادبی هامبورگ آلمان، وی راه آینده خود را در این مسیر برگزید و پس از تحصیلی نیمه کاره، به نگارش پرداخت. هیل در سال;rlm&های بعد سفری به فرانسه و ایتالیا کرد و با بر روی صحنه بردن نمایش;rlm&نامه;rlm&های خود به شهرت رسید. او در نهایت در وین اتریش ساکن شد و تا آخر عمر در این شهر باقی ماند. هیل در طول سال;rlm&های کار، آثار متعدد و معروفی نوشت که یادداشت;rlm&های روزانه، یودیت، تراژدی ماریا ماگدالنا و هرود و ماریا مینه از آن جمله;rlm&اند. آثار نمایشی هیل شامل نمایش اندیشه;rlm&ها و احساس;rlm&های بدبینانه و نامطبوع زندگی است که همگی روح تیره و تنهایی و شکست را نمایان می;rlm&سازد. در نظر هیل، صحنه;rlm&های غم انگیز، نتیجه و محصول اجتناب;rlm&ناپذیر تلاش فردی است. قدرت و برجستگی فرد پیوسته با کشمکش و مبارزه همراه است و دستخوش قوانین ماورای جهان مادی است. فرد می;rlm&کوشد که خود را از فرسودگی اموری که با آن روبرو می;rlm&شود برهاند، اما اراده;rlm&اش در برابر قدرت اصلی که مافوق همه چیز است، خرد می;rlm&شود. هیل موضوع نمایش;rlm&نامه;rlm&ها را بر عصرهای تحول و چهارراه;rlm&های تاریخ قرار می;rlm&دهد و در عین حال وجود خود را در ویرای آثارش می;rlm&نمایاند و همدردی خود را با فرد در برابر نظام و قوانین خرد کننده نشان می;rlm&دهد. نمایش;rlm&نامه;rlm&های نخستین هیل به نثر نوشته و نمایش;rlm&نامه;rlm&های بعدی در شعر آزاد ساخته شده است. نامه;rlm&های هیل نیز نه تنها به سبب گیرایی، بلکه به علت اهمیتی که از نظر تاریخ و نقد ادبی دارد، بسیار جلب توجه کرده و جزء نوشته;rlm&های رسمی آلمان درآمده است. هیل نوعی از درام آفرید که در آن;rlm&ها شخصیت;rlm&هایی که زندگی;rlm&شان در روحی بی;rlm&قرار و خویشتن;rlm&خواهی شدید می;rlm&گذرد ترسیم شده و او در آن;rlm&ها به توصیف ابرمردان و زنان برتر پرداخته است. وی هم;rlm&چنین در آثارش به مسئله تضاد عاطفی در شخصیت آدمی پرداخته است. محرومیت;rlm&های دوره کودکی و جوانی بر جسم هیل اثر گذاشت و بیماری مهره پشت، او را به سوی مرگ زودرس کشاند. کریستین فریدریش هیل سرانجام در 13 سپتامبر 1863م در پنجاه سالگی درگذشت.

(1815)

با پیوستن ایالت ژنو به سوئیس در 18 مارس 1815م، این کشور به شکل کنونی درآمد. کشور سوئیس سابقاً به صورت کنفدراسیون اداره می;rlm&شد ولی اکنون حکومت آن فدرالی است. سوئیس متشکل از 25 ایالت یا کانتون است. در

قرن پانزدهم میلادی، سوئیس، یکی از کشورهای قدرت؛مند اروپا بود، اما به تدریج قدرت خود را از دست داد. در سال 1815م پس از آن که 9 کانتون دیگر که آخرین آن؛ها، ژنو بود، به کنفدراسیون سوئیس پیوستند، کنفرانس پاریس که پس از شکست ناپلئون، در فرانسه تشکیل شده بود، به سوئیس بی؛طرفی همیشگی اعطا کرد و این کشور تاکنون، حتی در دو جنگ جهانی نیز، بی؛طرفی خود را حفظ کرده است.